وزارت فرهنگ و آموزش عالی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

موضوع

سیاستهای قبیلگی و اقتصادی (با توجه به فتح ایران) در دوران عمر و عثمان

استاد راهنما:

آقای دکتر عزت‌الله رادمنش

استاد مشاور:

خانم دکتر آزرمیدخت مشایخ فریدنی

تالیف: عبدالهادی احمدی

فهرست مطالب

مقدمه ۱

بررسی و نقد منابع ۳

فصل یکم

شخصیت عمربن الخطاب ۲۹

شخصیت عثمان بن عفان ۳۴

قبیله گرایی و سقیفه ۴۰

عمربن الخطاب و قریش ۴۶

موالی و سیاستهای عمربن الخطاب ۵۶

عثمان بی عفان و قریش ۶۰

عمر و خویشاوندان ۶۵

عثمان و خویشاوندان ۶۹

۱- حکم بن العاص/ ۷۱

۲- ابوسفیان/ ۷۲

۳- عبدالله بن سعد بن ابی سرح/ ۷۴

۴- ولیدبن عقبه بن ابی محیط/ ۹۰

۵- سعیدبن العاص/ ۹۳

۶- عبدالله بن عامر/ ۹۵

عمربن الخطاب و اصحاب پیامبر ۹۹

عثمان و اصحاب پیامبر ۱۰۲

فصل دوم

سیاستهای اقتصادی عمر ۱۱۲

الف- تجارت کارگزاران/ ۱۱۷

ب- فساد و سوء استفاده از بیت‌المال/ ۱۱۷

ج- تجمل گرایی/ ۱۱۹

سیاستهای اقتصادی عثمان ۱۲۲

اقطاع ۱۲۷

خراج ۱۲۹

زکات ۱۳۲

تجارت ۱۳۳

بازار ۱۳۵

قرق ۱۳۷

نتیجه ۱۴۷

فهرست منابع و ماخذ ۱۵۸

مقدمه

عربستان پیش از اسلام با توجه به طبیعت خشک و نامساعد آن سرزمین و سختی معیشت و جنگ و ستیز مداوم قبایل، قبیله مطمئن‌ترین تکیه‌گاه فرد در برابر دیگران بود و کسی که از قبیله‌اش رانده می‌شد و قبیله‌ای از او حمایت نمی‌کرد، قادر به ادامه حیات نبود. از اینرو قبیله که پیوند خونی همه افراد آن را نیز به هم متصل می‌کرد مهمترین عامل برای حفظ بقا بود. از اینرو افراد به قبیله خود سخت دلبسته و تعصب نشان می‌دادند از آن میان قریش دارای ویژگیهای خاص بود. آنها در مکه که در مسیر کاروانهای تجاری قرار داشت، زندگی می‌کردند و خانه کعبه تمام بتهای عربستان را در خود داشت که هر ساله زایران بسیاری برای زیارت به آنجا می‌رفتند و مکه شهری مقدس برای تمام قبایل بدوی و بت‌پرستان عرب بود. ادارهٔ شهر مقدس نخست در دست قبیله جرهم بود و سپس به خزاعه رسید که با تدابیر قصی جد پنجم پیامبر از مکه رانده شدند و اداره شهر و خانه کعبه توسط قصی میان فرزندانش و خاندانهای قریش توزیع گردید. از این زمان به بعد قریش اعتبار فراوانی در میان دیگر قبایل بدست آورد و از این ویژگی جهت توسعه بازرگانی مکه و بدست آوردن ثروت سود بردند. پس از ظهور پیامبر اسلام و بر اساس تعالیم اسلام ارزشهای منحط قبایلی تضعیف شد و آموزه‌های پیامبر در از بین بردن سنتهای غلط اعراب بسیار موثر بود. اما پس از رحلت پیامبر ارزشهای دوران جاهلیت و قبیله‌گرایی و تبعات آن نمودار شد و تاثیر فراوانی بر جامعه اسلامی از خود بجا گذاشت. این پژوهش بر آن است تا گرایشان قومی و قبایلی که بعد از رحلت پیامبر(ص) در جامعه اسلامی مطرح شد مورد کنکاش قرار دهد و میزان نقش آن را در تعیین سرنوشت جامعه مسلمین بنمایاند و چگونگی ظهور و مراحل تحول آن و تفاوت و تباین این موضوع در عهد عمر و عثمان که بیش از ابوبکر و علی(ع) خلافت کردند و تاثیر بسیاری در آن دوره و بعدها بجا گذاشتند و نیز مقایسه سیاستهای اقتصادی آن دو خلیفه و چگونگی بروز انحراف و پیوند آن با قوم گرایی و

نتایج آن را مورد بررسی قرار دهد که از این دیدگاه کمتر به آن دوره پرداخته شده است و پژوهش مستقلی در این باره به چشم نمی‌خورد. البته پژوهشگران بسیاری در بررسیهای خود از زوایای گوناگون و گذرا به این موضوع اشاره دارند که بیشتر به صورت کلی بود و یا به جنبه‌های خاصی مانند چگونگی توزیع بیت اعمال و فتوحات و شورای انتصابی عمر پرداخته‌اند که از دیدگاه و قومی ملاحظه نگردیده است. اما سیاستهای قومی و اقتصادی عثمان در پژوهشها بیشتر دیده می‌شود. این تحقیقات بنابه ملاحظاتی نتوانستند میان سیاستهای اقتصادی و یا قومی عثمان و نتایج آن سیاستها با شخصیت عثمان ارتباط دهند و یا مقایسه میان سیاستهای عمر و عثمان را ارائه دهد. در میان این پژوهشها کتاب **بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان آقای دکتر ابوالقاسم اجتهادی** با ژرفنگری تمام به آن پرداخته است که در این رساله از آن بهره گرفته شده است و تا حدودی به دیدگاههای این پژوهش نزدیک است اما بنابر موضوع پژوهش آن که بررسی مالی و مالیه مسلمین است به سیاستهای قومی و اقتصادی عمر و عثمان و مقایسه سیاستهای آن دو خلیفه و روند تحول و نتایج آن پرداخته نشده است. کتاب **خراج و نظامهای مالی دولتهای اسلامی تالیف ضیاءالدین الریس** نیز پژوهش دیگری است که مورد استفاده قرار گرفته است که در زمینه خراج و غنایم و عطا و مقیاسهای اندازه‌گیری و پیمانه‌ها و اوزان و و پول تحقیقات مفصلی انجام داده است که البته بنابر موضوع از سیاستهای قومی و پیوند آن با سیاستهای اقتصادی مطلبی ندارد و گذشته از آن با دیدگاه توجیه گرایانه سیاستهای این دوره را بررسی کرده است. لذا با توجه به اهمیت قوم گرایی و نقشی که در سرنوشت جامعه مسلمین ایفا کرده است، بسنده بنظر نمی‌رسد، لذا این موضوع با توجه به اهمیت آن و با انگیزه رهیافت به حقیقت انتخاب و با استعانت از فضل خداوند به آن پرداخته شد.

اما سیری که در تدوین این پژوهش به کار رفته است، قابل ذکر است که این اثر

نخست به اختصار جهت شناخت حدیث که پایه و اساس تاریخ این دوره را تشکیل می‌دهد و سیر تحول آن و تاثیر عوامل سیاسی و یا قومی و گرایشهای مذهبی بر جعل حدیث را مورد بررسی قرار می‌دهد در فصل یکم بررسی شخصیت عمر و عثمان بعنوان دو خلیفه‌ای که دوره آنها مورد بحث می‌باشد، آمده است که می‌تواند در شناخت سیاستهای آن دو خلیفه بسیار موثر باشد . سپس قبیله گرایی و سقیفه آمده است زیرا عمر از چهره‌های شاخص سقیفه بود و حوادثی که در آن رخ داد علاوه بر نشان دادن واقعیتهای رو به تغییر و تحول، پایه تحولات بعدی قرار گرفت و سپس سیاست عمر و عثمان در برخورد و با خویشاوندان و قریش و موالی و اصحاب پیامبر بررسی شده است و در فصل دوم سیاستهای اقتصادی دو خلیفه و مقایسه عملکرد آنها در زمینه خمس غنایم، خراج، اقطاع، زکات، تجارت، بازار و فرق آمده و سرانجام نتایج سیاستهای عمر و عثمان از نظر می‌گذرد.

در پایان بر خود لازم می‌بینم از استاد بزرگوار **جناب آقای دکتر عزت‌الله رادمنش** که ما را مشمول لطف و محبت خویش قرار داده و با نظرات و راهنماییهای ارزنده خود در غنای این پژوهش یاری فرمودند، تشکر کنم و نیز سپاس خود را از ارشادات و الطاف صمیمانه **خانم دکتر آزرمیدخت مشایخ فریدنی** ابراز داشته و از خداوند قادر و متعال توفیق روزافزون آن بزرگواران را طلب می‌کنم و همچنین از کلیه کسانی که در تهیه این جزوه ما را یاری کردند بویژه همسرم سپاسگزارم.

گذری بر منابع

منابع پژوهش این دوره از این جهت که هر یک از خلفا از اصحاب برجسته پیامبر و نزدیکان آن حضرت بودند، سیره آنها به عنوان خلیفه پیامبر در کنار سیره حضرت نقش الگویی به خود گرفت، سیاستهای آنها مبنای احکام فقهی دوره‌های بعدی شد و بر این اساس اندیشه‌های گوناگونی که ریشه در این دوره دارد پدید آمد. از اینرو دوره

خلفا اهمیت زیاد و حساسیت فراوان دارد و منابع بر جای مانده آن دوره نیز گسترده نسبتاً در خور توجه دارد. البته در این بررسی کوتاه نظر بر آن نیست تا تحلیلی همه جانبه کتابشناختی از تاریخ صدر اسلام و دوره خلفای راشدین ارائه گردد، بلکه بصورت مختصر و گذرا منابعی که در تدوین این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است معرفی و بر اساس قدمت و اهمیت تقسیم‌بندی و نکاتی که بنظر آمده است ارائه شود.

اهمیت زیاد این دوره که از ابتدا مورد توجه محدثین و اصحاب رجال و مورخان قرار داشت منابع فراوانی از آنها برای دوره‌های بعد به یادگار ماند اما بدبختانه تعداد زیادی از این منابع که **ابن ندیم و شیخ طوسی در کتابهای فهرست خود و نجاشی در کتاب رجال** آورده از بین رفته‌اند از آن جمله منابع اختصاصی که می‌توانست برای این پژوهش مفید باشد مانند کتاب مقتل عثمان و الشوری نوشته ابومخنف و کتاب مقتل عثمان از **ابوعبیده محمدبن مثنی تیمی** و کتاب مقتل عثمان از **ابن شبه نمیری** و کتاب الشوری والسقیفه و مقتل عثمان و کتاب اخبار عمر و کتاب اخبار عثمان نوشته **ابراهیم بن محمد ثقفی** صاحب الغارات وفات ۲۷۳ هجری و کتاب مقتل عثمان از **عیسی بن مهران مستعطف** و کتاب التسویة بین فیه خطأ من حرم تزویج العرب فی الموالی از **احمد بن داود بن سعید فزاری معروف به ابویحیی جرجانی** که بنا به سعایت محمدبن یحیی رازی و ابن البغوی و ابراهیم بن صالح که از محدثین بودند به خاطر نقل حدیثی درباره عمربن الخطاب از محمدبن یحیی و انکار نامبرده به دستور محمدبن طاهر از خاندان طاهریان (۲۴۸-۲۹۸ وفات) به هزار ضربه شلاق و قطع زبان و دست و پا و مصلوب شدن محکوم گردید و نیز کتابهای **اخبار الخلفا الکبیر** و مقتل عثمان بن عفان نوشته **ابوالحسن علی بن محمد مدائنی** و کتاب الشوری نوشته **ابی تعقده سبیعی همدانی** مستوفی ۳۲۳ هجری و سیره عمر و سیره عثمان بن عفان از **محمدبن مسعود عیاشی** می‌باشد که اگر این منابع وجود می‌داشت تاریخ این دوره

چهره روشنتری می‌یافت.

همانگونه که اشاره شد، محدثین و اصحاب رجال و مورخان بـه ایـن دوره تـوجه زیادی نشان دادند از اینرو برای پژوهش این دورد بویژه این موضوع نمی‌توان صرفاً به منابع تاریخی تکیه کرد بلکه باید به منابع متنوع از جمله اخبار و حدیث و امـوال و خراج و سیره و مغازی و فتوح و رجال و ادب مراجعه کرد و از آنها بهره گرفت که در این پژوهش از آنها استفاده شده است که به شکل زیر تقسیم و مـورد بـررسی قـرار خواهد گرفت.

۱- تاریخ عمومی

۲- تاریخ محلی

۳- سیره و رجال

۴- فتوح و خراج

۵- منابع اختصاصی

۶- منابع حدیث

۱- تواریخ عمومی

یکی از منابع این دوره تاریخ عمومی می‌باشد. این گونه منابع از آغاز خلقت تا زمان مولف را در بر می‌گیرد یکی از قدیمی‌ترین این منابع **اخبار الطـوال دیـنوری** ۲۲۷ هـ می‌باشد که درباره موالی بیش از دیگر منابع مطلب دارد و پس از **تاریخ یعقوبی** ۲۷۸ هـقرار دارد وی با مطالبی که در تاریخ خود می‌آورد گرایش به شیعه را نشان می‌دهد و از ویژگیهای این دو اثر خلاصه بودن است. در این میان **تاریخ طبری** ۳۱۰هـکه به نام تاریخ‌الامم و الملوک و یا تاریخ الرسل و المـلوک آمـده است، اهـمیت ویـژه‌ای دارد و بصورت مشروحتر، فتوحات و خراج و مسایل سیاسی را بر اساس سـنوات هـجرت بررسی کرده است و از این طریق ضعفی که در منابع حدیث و رجال وجود دارد، جبران

می‌کند و در این پژوهش فراوان به آن مراجعه شده است اما یکی از ضعفهای اساسی کتاب غیر از گرایشات مولف، استفاده وسیع وی از کتاب **رده و فتوح سیف بن عمر** در گزارش تاریخ دوره پژوهش می باشد که جعلیات آن را **علامه عسکری** در کتاب **یکصد و پنجاه صحابه ساختگی** مورد بررسی قرار داده است با این همه تاریخ طبری منبع درخور توجهی می‌باشد و با توجه نقد و بررسیهای فراوانی که از این کتاب بعمل آمده است می‌توان از آن بهره گرفت. **مروج الذهب مسعودی** ۳۴۵ هـ منبع دیگری است که حائز اهمیت می باشد و گزارشهایی از دوره عثمان دارد که در دیگر منابع به چشم نمی‌خورد و تاریخهای عمومی که بعد از آن آمده است، ریشه در کتابهای فوق دارد. اما در عین حال از آنها بی‌نیاز نیستیم، زیرا مانند **کامل فی التاریخ ابن اثیر** اگر چه تا سال ۳۰۲ از کتاب طبری استفاده کرده است ولی در برخی جاها تغییراتی در آن داده است که حائز اهمیت می‌باشد.

۲- تاریخ محلی

از دو کتاب تاریخ محلی مورد استفاده، **تاریخ مدینه المنوره ابن شبه ابوزید عمر نمیری بصری** ۱۷۳-۲۶۲ هجری که با تصحیح و تعلیق محمد فهیم شلتوت در ۴ جلد به چاپ رسیده است، منبعی بسیار ارزشمند است و سومین کتابی است که درباره تاریخ مدینه نوشته شده است. اولین آن کتاب محمدبن الحسن بن زباله می‌باشد که تا سال ۱۹۹ هـ زنده بود و دیگری کتاب زبیربن بکار متوفی ۲۵۶ هجری است و کتاب تاریخ مدینه المنوره سومین کتاب درباره تاریخ مدینه می‌باشد و از آنجا که آن دو تالیف در دسترس نیست تاریخ المدینه اثر منحصر بفردی در این زمینه می‌باشد. اما متاسفانه قسمتی از اول و آخر کتاب ناقص است. ابن شبه در کتاب ابتدا به شهر مدینه و حومه آن پرداخته و سپس از خانه‌ها و بازارها و مساجد و مقابر و چاهها و چشمه‌ها و محل فرود قبایلی که وارد مدینه می‌شدند، سخن می‌گوید. و سپس به شخصیت پیامبر و وفدهایی

که به مدینه آمدند می‌پردازد و پس از آن مختصری از خلافت ابوبکر می‌آورد اما به خلافت عمر با تفصیل بیشتری می‌پردازد و احادیث فراوانی در زمنیه سیاسیت و نحوه اداره، سیاست مالی عمر و روش وی در برخورد با کارگزاران و موالی، زمینهای فرق، کارهای عمرانی عمر در مدینه و یا روش عمر در سال قحطی (عام الرماده) عربستان جمع‌آوری کرده است که برخی از آن منحصر به فرد و در جای دیگر نیامده است و در دوره عثمان مطالبی که تازگی دارد سخن از وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم مدینه و چگونگی راهیابی مفاسد اجتماعی در آن است. اما کتاب همانگونه که سالهای زندگی مولف نشان می‌دهد در دوره اقتدار عباسیان نوشته شده است از اینرو بی‌تاثیر از شرایط نبوده است. وی اگر چه در کتاب مطالب مختلفی درباره خلفا آورده است اما در مجموع ساحت صحابه را منزه می‌کند اما در ماجرای قتل عثمان چندین روایت بر دخالت علی(ع) از زبان خویشاوندان عثمان و دوستداران وی آورده است که با دیدگاه کلی وی منافات دارد از اینرو بنظر می‌رسد آوردن این مطالب و اختصاص قسمتی از کتاب به صفات و برتری بنی‌هاشم بر دیگر قریش تحت تاثیر شرایط روز بوده است.

۳- سیره و رجال

دوره مورد بحث از آنجا که به عهد پیامبر(ص) نزدیک است و اصحاب آن حضرت تا پایان دورد خلفای راشدین حضوری فعال داشتند، کتابهای سیره و مغازی کاربرد فراوان دارد و در این پژوهش از سیره ابن اسحاق ۸۵ هجری و سیره ابن هشام ۲۱۸ هجری و مغازی واقدی ۲۰۷ هجری که معتبرترین منابع می‌باشد استفاده شده است. کتابهای رجالی نیز از منابع مهم این دوره است و در این پژوهش از کتابهای رجالی **المعارف ابن قتیبه** و **الاستیعاب فی معرفة الاصحاب ابن عبدالبر** و **اسدالغابه فی معرفة الصحابه ابن اثیر** و **الاصابه فی تمییز الصحابه** و **تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی** و **ضعفاء الکبیر عقیلی** و **حیاة الصحابه کاندهلوی** و **اختیار معرفة**

الرجال شیخ طوسی و **رجال نجاشی** و **جامع الرواة اردبیلی** استفاده شده است اما در این میان **طبقات الکبری ابن سعد** و **انساب الاشراف بلاذری** که در این پژوهش از آن بسیار سود جسته شده است، ویژگی خاص دارد. طبقات الکبری علاوه بر تنظیم زندگینامه اصحاب و تابعین بر اساس محل سکونت آنها، سلسله مراتب اصحاب و تابعین را به صورت منظم درآورده است و در معرفی افراد مطالب مهم تاریخی را نیز در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد و ضعفی که می‌توان بر او وارد کرد این است ک وی از ماجرای سقیفه بنی ساعده مطلبی گزارش نکرده است و با گرایش به ایده اهل سنت و با پیروی از مکتب تقوایی مدینه که متاثر از اندیشه مرجئه بود از بحث پیرامون مسایل اختلافی و یا مطالبی که ساحت تقدس اصحاب پیامبر را خدشه‌دار کند، خودداری نموده است. اما یکی از شاگردان وی به نام بلاذری که در دربار متوکل و مستعین عباسی نزدیک و تربیت فرزند معتز را به عهده داشته در پنج جلد کتاب انساب الاشراف خود با دید دیگری به قضایا می‌نگرد و پا را فراتر از استاد گذاشته و با شمّ سیاسی و با دقت و ژرفنگری فراوانی حوادث را دنبال می‌کند از اینرو کتاب وی یکی از بهترین آثار رجالی برای پژوهش این دوره می‌باشد و تنها نظیر آن را از نظر ژرفنگری در کتابهای رجالی شیعه تنها از اختیار معرفة الرجال معروف به رجال کشّی می‌توان نام برد.

۴- فتوح و خراج

منابع مهم و ارزشمند دیگری که در این پژوهش از آن بهره برده شده است فتوح می‌باشد مانند **فتوح الشام واقدی** و **فتوح مصر و اخبارها ابن عبدالحکم** ۲۵۷ هـ و **فتوح البلدان بلاذری** و **الفتوح ابن اعثم** ۳۱۴ هـ می‌باشد. منابع فتوح از آنجا که علاوه بر فتوحات به مسایل سیاسی و مالی می‌پردازد، برای بررسی این دوره حایز اهمیت فراوان است. در این میان اگر چه واقدی و ابن عبدالحکم منبع قدیمی‌تر می‌باشند اما از آنجا که بیشتر به مکانی خاص اختصاص دارند کمتر استفاده شده است و بیشتر

مراجعات به فتوح البلدان بلاذری و فتوح ابن اعثم می‌باشد و از میان آن دو فتوح البلدان از منابع بسیار ارزشمند این دورد به شمار می‌رود. مولف این کتاب که در بغداد متولد شد و همانجا نشو و نما یافت، فردی عالم، فاضل و شاعر، راوی حدیث و نسب شناس و کاتب بود و مسافرتهایی در شرق و سرزمین شامات تا انطاکیه داشت و سرانجام در سال ۲۷۹ هجری چشم از جهان فرو بست.

بلاذری همانگونه که اشاره گردید با دقت و ژرفنگری به مسایل می‌پردازد و کتاب فتوح البلدان او نیز از این ویژگی برخوردار است و بسیاری فتوح البلدان را بهترین کتاب او شمردند. وی کتاب خود را از هجرت پیامبر آغاز و به برخی از غزوات پیامبر (ص) می‌پردازد که از این جهت حایز اهمیت است و سپس به فتوحات و جنگهای رده دوره ابوبکر و پس از آن فتوحات عمر و عثمان را دنبال می‌کند. وی در کنار پی‌گیری فتوحات به مسایل مالی دوره خلفای راشدین می‌پردازد و کتاب با توجه به حجم کم آن مطالب مهمی در زمنیه فتوحات و مسایل مالی دارد و منبع باارزشی برای این دورد به شمار می‌رود. اما الفتوح ابن اعثم با این ویژگی که دیگاه شیعه گرایانه دارد مهم است وی کتاب خود را از ماجرای سقیفه آغاز و به جنبه‌های سیاسی و فتوحات اهمیت بیشتری داده است و در کتاب خود به مسایل مالی کمتر پرداخته است.

اما منابع خراج که بویژه در فصل دوم پژوهش از آنها استفاده فراوان شده است از اداره سرزمینهای اسلامی در زمینه مسایل مالی حکایت می‌کند و قدیمی‌ترین منبع در این زمینه **خراج ابویوسف** ۱۸۲ هـ و **خراج یحیی بن آدم** ۲۰۳ هـ و سپس **الاموال ابوعبید** ۱۵۴-۲۲۴ هجری و **احکام السلطانیه ماوردی** ۴۵۰ هـ می‌باشد و این سه کتاب در ثلث سوم قرن دوم هجری نوشته شده است. ابویوسف کتاب خراج را بنا به دستور هارون‌الرشید نوشت. وی قاضی القضاة و فقیهی با اطلاعات وسیع بود قایق امور مالی بود و بر اقوال و اعمال اصحاب در مسایل مالی اطلاع کامل داشت و کتاب وی درباره خراج و عشور و صدقات و اهل ذمه می‌باشد. اما از آنجا که خود منصب دولتی داشت و

کتاب بنا به دستور هارون بود لذا مطالبی که می‌توانست موقعیت او را به خطر اندازد مانند قضیهٔ فدک در کتاب خود نیاورده است. اما یحیی بن آدم وابسته به دربار خلافت نبود و آزادتر از ابویوسف مطالب خود را می‌آورد. وی نیز از علمای مشهور زمان خود بود و شاگردان بسیاری تربیت کرد و سرانجام در سال ۲۰۳ در خلافت مامون وفات یافت و حسن‌بن سهل بر او نماز گذارد. ولی ابوعبید در الاموال مسایل مالی مسلمین را با دید وسیع‌تری مورد بحث قرار می‌دهد و از خراج ابویوسف و یحیی بن آدم جامع‌تر است و از جنبه تاریخی نیز کتابی باارزش می‌باشد. او در کتاب خود درباره کلیه درآمدها و درآمد اهل ذمه و حقوق واجبه توجه دارد و سیاست مالی عمر و عثمان را بصورت مشخص‌تری ذکر می‌کند. از این میان، احکام السلطانیه ماوردی جایگاه ویژه‌ای دارد. ماوردی در این کتاب بنا به نظر ابوالقاسم اجتهادی و ضیاءالدین الرئیس دقیق‌ترین نوشته درباره خراج می‌باشد. و قسمت اعظم کتاب خود را به موضوع خراج اختصاص داده است و نیز برای اولین بار بین خراج و جزیه افتراق قایل می‌شود، و تقسیمات اراضی را تحت ضابطه در می‌آورد.

۵- منابع اختصاصی

۱- نهج البلاغه

کتاب نهج البلاغه از مدارک بسیار مهم این دوره بشمار می‌رود که سید رضی آن را در قرن چهارم جمع‌آوری کرده است. البته وی تنها به مطالبی توجه نشان داده است که از نظر وی ادیبانه بوده وگرنه سخنان و خطابه‌ها و نامه‌های حضرت بیش از آن می‌باشد. این کتاب از آنجا که از نظر مدارک از دیدگاههای مختلف مورد نقد و بررسی قرار گرفته است مطمئن‌ترین منبع برای این دوره بشمار می‌رود، اما مهمترین ضعفی که در این کتاب مشاهده می‌گردد این است که بیشتر خطبه‌ها و یا نامه‌ها و کلمات آن حضرت که بر اساس ضرورت صادر شده است با قید زمان ثبت نگردیده است و چنانچه این

نقیصه رفع گردد این کتاب می‌تواند بصورت منبع عظیمی برای شناختن وضعیت اجتماعی و سیاسی آن دوره بویژه دوره عثمان به بعد به شمار آید.

نهج البلاغه مشتاقان بسیاری به خود دیده است و بیش از ۲۱۰ **شرح** بر این کتاب عظیم فهرست شده است که هر کدام به نوبه خود منبعی ارزشمند برای پژوهش می‌باشد اما از میان آنها **شرح نهج البلاغه بن ابی الحدید** جایگاه ویژه‌ای دارد. ابن ابی الحدید در شهر مداین که یکی از مراکز شیعه نشین بود بدنیا آمد و سپس به بغداد رفت. او فقیهی شافعی، اصولی، نسب شناس و شاعر و مورخ بود. او در بغداد به دستگاه ابن العلقمی که به تشیع معروف است تقرب یافت و ریاست کتابخانه بغداد به او تفویض گردید وی با استفاده از این کتابخانه و منابعی که امروز در دست نیست تالیف شرح نهج البلاغه را که به دستور ابن العلقمی بود به انجام رسانید که در بیست جلد می‌باشد.

پیرامون ابن ابی الحدید و کتاب شرح نهج البلاغه نقد و بررسیهای فراوانی شده است که ذکر آنها موجب تطویل کلام و لزومی به تکرار آن نیست اما مطلبی که تذکر آن ضروری می‌نماید اینکه وی اگر چه سنی شافعی بود و به اصول اساسی اهل سنت در مورد خلافت پایبند بود اما به عدم خدشه به ساحت صحابه اعتقادی ندارد و مطالب مستند درباره ابوبکر و عمر و بویژه عثمان ذکر می‌کند تا جایی که صلاحیت عثمان را مورد تردید قرار داده و می‌آورد که عثمان شاخه‌ای از ابوبکر و عمر بود و آن دو خلیفه را عامل اصلی روی کار آمدن عثمان ذکر می‌کند.

۶- منابع حدیث

منابع نوشته شده پژوهش دوره خلفای راشدین با توجه به فاصله زمانی آنها با دوره مورد بحث، مبتنی بر روایتهایی شفاهی می‌باشد که سینه به سینه نقل می‌شده است که تحت تاثیر عوامل مختلف از آن جمله قوم‌گرایی دستخوش تحریف و کم و کاستیها قرار گرفت مانند روایتهای جعلی سیف بن عمر، لذا پیرامون خلفای این دوره از

زشتترین و ناروا‌ترین نسبت‌ها تا مقدس‌ترین آن دیده می‌شود لذا برای شناختن حقیقت نیاز به شناخت چگونگی رواج تحریف و گسترش آن می‌باشد که به اختصار در بحث مورد بررسی قرار گرفته است.

جعل حدیث با رحلت پیامبر و روی کار آمدن ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی ابوبکر که عمربن الخطاب در دوره خلافت خود بر آن صحه می‌گذارد، در مدینه آغاز شد. زیرا روی کار آمدن ابوبکر از خاندان «تیم بن مره» که تیره ضعیف از قبیله قریش بود، هیچ سنخیتی با ساختار قدرت قریش در دوران جاهلی نداشت زیرا نه ابوبکر آن چنان ویژگی داشت و نه جانشینی مطابق وصیت پیامبر بود، لذا منجر به جناح بندی تازه‌ای در درون قریش گردید و از سوی دیگر رقابت انصار با قریش بود که در صورت اتحاد با بنی هاشم می‌توانست تهدیدی جدی برای اقتدار قریش باشد. از اینرو جناح حاکم قریش - **ابوبکر از بنی تیم و عمربن الخطاب از بنی عدی و ابوعبیده جراح از بنی فهر** - که قدرت را بدست آورده بودند در جهت تحکیم قدرت قریش از زبان پیامبر به جعل احادیث دست یازیدند نخست درباره برتری آنها نسبت به دیگران بود. در این مورد از زبان پیامبر که با قبیله گرایی بشدت مخالف بود، نقل شده است.

«هر پیامبری برای قوم خویش مبعوث شد و من برای شما (قریش) مبعوث به رسالت شدم.»

و یا آمده است هنگامی که به پیامبر گزارش دادند که مردی به قتل رسیده است، حضرت فرمود:

«خدا شر او را دور کرد. او با قریش دشمنی می‌ورزید.»

و نیز نقل شده است:

«ای مردم قریش را جلوتر قرار دهید و از آنها پیشی نگیرید ... قدرت هر مردی از قریش به اندازه نیروی دو مرد دیگر باقی اقوام می‌باشد ...»

ابوهریره نیز از پیامبر نقل می‌کند که حضرت فرمود:

«مردم پیرو قریش هستند و این امر (خلافت) در میان آنها خواهد بود تا زمانی که دو نفر از آنان بر روی زمین

باقی باشند»[۳]. حتی از زبان **علی** (ع) که بیشترین درگیری را با قریش داشت و عزیزان بسیاری از آنان را کشت و در دوران خلافتش تلاش کرد تا آنها را از قدرت و حاکمیت بر مردم کنار بگذارد نیز نقل شده است که فرمود:

«رهبران از قریش‌اند نیکان بر نیکان و بدان بر بدان آنها ...»[۴]

و سپس درباره ویژگی **ابوبکر و عمرو ابوعبید جراح** که قدرت را بدست آورده بودند و بعدها که عثمان روی کار آمد این روایتها با حذف **ابوعبیده جراح** که دیگر در قید حیات نبود و اضافه شدن فضیلتهای عثمان آمده است که با توجه به احادیث وارده **عایشه** دختر ابوبکر و همسر پیامبر بیشترین نقش را داشته است. از او نقل می‌شود:

«...ابن ابی ملیکه می‌گوید از عایشه شنیدم. هنگامی که پرسیده شد ای مادر مومنان چنانچه پیامبر کسی را می‌خواست به جانشینی بگمارد چه کسی را می‌گماشت؟ گفت: ابوبکر. سپس پرسید: پس از ابوبکر؟ گفت: عمر و پس از عمر را پرسید؟ گفت: ابوعبیده جراح.»[۵]

درباره عثمان نیز گفت:

«...پیامبر در بیماریش فرمود دوست داشتم یکی از اصحابم در کنارم باشد، عرض کردم ای پیامبر خدا آیا ابوبکر را بخوانم؟ پیامبر سکوت فرمود سپس عرض کردم آیا عمر را بخوانم دوباره سکوت فرمود، عرض کردم عثمان را برای شما بخوانم فرمود: بله. عثمان آمد و پیامبر با او خلوت کرد و صحبت می‌فرمود و چهره عثمان متغیر می‌شد.»[۶]

پس از تسلط قطعی ابوبکر و حاکمیت قریش بر انصار جناح بندی شکل تازه‌ای به خود گرفت و به اختلاف میان زمامداران و طرفدارانشان با طرفداران حق علی(ع) در حکومت و خلافت تغییر شکل یافت که تا روی کار آمدن علی (ع) از شدت و ضعف برخوردار بود. لذا ابوبکر برای جلوگیری از نفوذ علی (ع) در جامعه که خویشاوندی نزدیکی با پیامبر داشت و از سوابق بسیار درخشانی برخوردار بود و بنی‌هاشم و دیگر هواداران حق علی (ع) و حفظ آزادی عمل خود در حکومت از گسترش حدیث پیامبر جلوگیری کرد. وی پس از این که اصحاب را جمع کرد گفت: «شما از پیامبر حدیثهایی روایت می‌کنید، آنهایی که پس از شما می‌آیند اختلافاتشان بیشتر خواهد شد از پیامبر هیچ حدیثی روایت نکنید.»[۷] **خلیفه**

دوم نیز در ابتدا تصمیم داشت سنت نبوی را جمع آوری و نگارش کند اما بعداً از این کار منصرف و به تمام شهرها نامه نوشت و دستور داد هر کسی چیزی از سنت نبوی را نوشته است آن را پاک و نابود کند[۸] و اصحاب پیامبر را که به خارج عربستان ماموریت می‌یافت، دستور داد که احادیث پیامبر را کمتر روایت کنند[۹] و پیش از کشته شدن، «برخی از اصحاب پیامبر مانند ابوذر و عبدالله بن حذیفه و ابوالدرداء را به مدینه فرا خواند و به آنها گفت: این احادیث چیست که از پیامبر در جهان پراکنده کرده‌اید؟ گفتند: ما را از روایت حدیث پیامبر نهی می‌کنی؟ عمر گفت: نزد من بمانید به خدا سوگند تا من زنده‌ام از من جدا نخواهید شد ما بهتر می‌دانیم کدامین حدیث را از شما بپذیریم و کدام را رد کنیم...»[۱۰] البته عمر در دوره خلافت خود ابوهریره را به خاطر جعل حدیث از پیامبر زیر شلاق گرفت و تهدید به تبعید کرد.[۱۱] اما با توجه به این سخت گیری بسیار جای شگفتی دارد که **عایشه** همسر پیامبر در خلافت ابوبکر و عمر در گفتن حدیث آزاد بود و آن دو در بسیاری از فتاوی به او مراجعه می‌کردند.[۱۲] و از زبان او احادیث جعلی فراوانی در منابع به چشم می‌خورد بویژه در مورد تائید خلافت و فضیلت ابوبکر و خلافت ابوبکر و عمر و ابوعبیده جراح و سپس عثمان که پیش از این اشاره شد.

جعل حدیث در دوره عثمان گسترش بیشتری پیدا کرد زیرا افرادی مانند کعب الاحبار که از جاعلان معروف حدیث بود نزد عثمان ارج و قربی داشت و مورد توجه خلیفه بود به فتوای او عمل می‌شد و بعید نیست افسانه‌های **وهب بن منبه** و **عبید بن شریه** که حتی مبنای تفسیر طبری قرار گرفته و ابن خلدون از آن استفاده کرده است در همین دوران جعل شده باشد. ابوهریره که از عمر به خاطر جعل حدیث تازیانه خورده بود در خلافت عثمان آزادانه به جعل حدیث دست زد و جعلیات او در دوره معاویه به اوج خود رسید. عایشه نیز پس از قتل عثمان برای تهییج مردم دست به جعل حدیث زد، او از پیامبر نقل می‌کرد که خطاب به عثمان فرمود: «... اگر منافقان خواستند پیراهن تو را که خدا بر تو پوشانید بیرون کنند، بیرون نکن و آن را سه مرتبه تکرار کرد. نعمان گفت: چه باعث شد که مردم را از آن آگاه

نکردی. گفت: فراموش کرده بودم.»[۱۳]

اما در خلافت علی(ع) جعل حدیث با توجه به مقابله طلحه و زبیر و عایشه و سپس معاویه و مجموعه قریش ابعاد تازه‌ای به خود گرفت و تخریب شخصیتی نیز چهره نمود. اگر چه از طلحه و زبیر مطلبی در مذمت علی(ع) نیامده است، اما عایشه به وفور از زبان پیامبر در مذمت علی(ع) سخن به میان آورده است. عروة بن زبیر یکی از محدثان مشهور و فرزند زبیربن العوام از زبان خاله‌اش عایشه نقل می‌کند که پیامبر خطاب به عایشه فرمود: «ای عایشه اگر از اینکه به دو مرد دوزخی بنگری خوشحال می‌شوی به این دو بنگر. من نگریستم و دیدم که عباس بن عبدالمطلب و علی بن ابی‌طالب آمدند.»[۱۴] علاوه بر این نسبت‌های ناروا و زشت فراوان دیگری نیز به چشم می‌خورد که احتمالاً در همین دوره توسط مخالفان علی(ع) بویژه معاویه جعل شده باشد. البته عمده احادیث جعلی وی پس از صلح با حسن‌بن علی (ع) و تثبیت قدرت اموی بود که در چند جهت و به صورت وسیعی جعل شد. او پس از این که حکومت را بدست گرفت فرمانی صادر کرد:

«هر کس در فضیلت علی(ع) سخن بگوید خونش هدر است به کار گزارانش دستور داد هر جا شیعیان و پیروان و دوستان عثمان را دیدید احترام و تقدیر نمایید و به مجالسشان بروید و آنان که در فضیلت و ستایش عثمان مطالبی می‌گویند و یا روایتی نقل می‌کنند مورد تائید کامل قرار دهید و گزارش کامل از نام و ... برایم بفرستید و سپس طی نامه‌ای دیگر دستور داد از آن جا که درباره عثمان در هر شهر و روستا پر شده است با رسیدن این نامه مردم را دعوت کنید که درباره سایر خلفا و اصحاب روایت نقل کنند و هر حدیثی را که شنیدید درباره ابوتراب نقل می‌کنند فوراً روایتی از یکی از اصحاب نقل کنید که مناقض و عکس آن روایت باشد...»[۱۵]

سرانجام جعل حدیث درباره علی(ع) به جایی رسید که عامربن شراحیل متوفی ۱۰۳ تا ۱۰۵ هجری که یکی از تابعین بود، می‌گوید: «در این امت آن اندازه برای کسی دروغ گفته نشد که برای علی(ع) دروغ گفتند.»[۱۶] و حتی احادیث فراوانی از زبان علی(ع) در تائید حکومت معاویه نیز

جعل گردید. آمده است: هنگامی که علی(ع) از صفین برگشت متوجه شد که دیگر نمی‌تواند حکومتش را پایدار نگاه دارد، از این رو سخنانی بر زبان آورد که هرگز نگفته بود و احادیثی را بیان داشت که پیش از آن حدیث نکرده بود. از آنچه می‌گفت ای است که این مردم از حکومت معاویه رویگردان نباشید به خدا سوگند چنانچه او را از دست دهید خواهید دید که چگونه سرها مانند «حنظل» (خربزه ابوجهل) از بدن جدا می‌شود.»[۱۷] معاویه در جهت جعل این گونه احادیث گروهی از صحابه و تابعین را با پرداخت مقرری واداشت تا احادیث زنندهای در نکوهش علی(ع) که موجب بیزاری از وی باشد، جعل نمایند و در این راه از «**ابوهریره**» و «**انس بن مالک**» و «**وهب بن منبه**» و «**مرة بن کعب**» و «**عبدالله بن حواله**» و «**ابوحبیبه**» و «**شدادبن حی**» و «**عوف بن مالک**» و «**نعمان بن بشیر**» و «**عبدالله بن سلام**» و «**مغیرة بن شعبه**» و «**عمروعاص**» و «**سمرة بن جندب فزاری**» که به عنوان صحابه معروف بودند، سود جست.[۱۸] او برای توجیه حکومت خویش و ایجاد اعتبار برای خود از زبان پیامبر نیز احادیث فراوانی جعل کرد که ابن منظور در کتاب مختصر تاریخ دمشق آورده است از آن جمله آمده است که «جبرئیل بر پیامبر نازل شد و قلمی از طلای خالص همراه داشت و به پیامبر گفت که خدای علی اعلیٰ بر تو درود فرستاد و گفت: ای حبیب من این قلم را از بالای عرش به معاویه هدیه کردم قلم را به او برسان و دستور بده که آیةالکرسی را بنویسید.» و در حدیث دیگر جبرئیل خدمت پیامبر رسید و گفت: «ای محمد بر معاویه درود فرست و درباره او سفارش به خیر کن زیرا او امین خدا بر کتاب و وحی می‌باشد و او بهترین امین است»[۱۹]. معاویه علاوه بر این برای این که بتواند سوابق درخشان علی(ع) را تحت الشعاع قرار دهد و یا بی‌اعتبار کند و حکومت خویش را استحکام بخشد، درباره ابوبکر و عمر بویژه عثمان نیز احادیث فراوانی جعل کرد، آمده است که پیامبر فرمود: «در بهشت درختی نیست مگر آنکه روی هر برگ آن لااله‌الاالله و ابوبکر صدیق و عمر فاروق و عثمان ذی النورین نوشته شده است.»[۲۰] و نیز از پیامبر نقل شده است که

فرمود: «اگر مبعوث نمی‌شدم شما مبعوث می‌گردید»[۲۱]. و در جای دیگر پیامبر به عمر فرمود: «ای عمر اگر من مبعوث نمی‌شدم شما مبعوث می‌شده‌اید»[۲۲] و یا آمده است هنگامی که عثمان در جیش العسره سیصد شتر با زین و جهاز کمک کرد، پیامبر از منبر فرود آمد در حالی که می‌فرمود: «از این به بعد بر عثمان هر کاری که بخواهد انجام دهد [گناهی] نیست.»[۲۳]

سیاست جعل حدیث در دوره معاویه تنها مبارزه با فضایل علی (ع) و فضیلت سازی برای دیگر اصحاب بویژه ابوبکر و عمر و عثمان و نکوهش علی(ع) محدود نمی‌شد. بلکه از آنجا که معاویه و برادرش یزیدبن ابی سفیان از زمان خلیفه دوم حکومت شام را در دست داشتند و معاویه خود در تمام دوره عثمان والی شام بود. از این رو خود را فرماندار مشروع و منصوب شده از جانب دو خلیفه سابق می‌دانست و از نظر حکومت داری خود را دنباله رو آنها معرفی می‌کرد[۲۴] لذا علاوه بر جعل فضایل ابوبکر و عمر و عثمان به جعل احادیث دیگر در جهت اقتدار و توجیه سیاستهای خودشان جعل کردند و یا دست کم قسمتی از آن را دست کاری کردند، مانند: سخنان انفعالی عمر در برخورد با موکب شاهانه معاویه بود که در سفر شام به استقبال عمر آمده بود. او پس از اعتراض به معاویه که چرا نیازمندان را پس از انتظار طولانی به حضور می‌پذیرد و توجیه معاویه در حضور اصحابی که همراه او بودند، گفت: «من نه تو را فرمان دهم که این گونه باشی و نه تو را از این کار باز می‌دارم.» و یا این که عمر هر وقت معاویه را می‌دید می‌گفت: «این کسری عرب است.»[۲۵]

با توجه به این احادیث سیاستهای خلیفه دوم در برخورد با معاویه متفاوت از برخورد با دیگر فرمانداران جلوه‌گر شده است و برخی پژوهشگران این مطالب را سند تساهل و تسامح عمر معرفی کردند که جعلی بنظر می‌رسد و یا دست کم قسمتهایی از آن جعل گردیده است زیرا با توجه به سخت‌گیری و زیرکی عمر که مغیرة بن شعبه یکی از فریب کاران معروف به آن اذعان داشته و می‌گوید: «به خدا سوگند او برتر از این